

# ائتلافیون دولت کنونی کیا اند؟؟؟

تحقیق و پژوهش (صبح)



چه میگذرد، آیا میدانی درین شام من؟  
جز زهر غم نریخته، آبی به جام من  
گر من به جز درد ملت عیشی نموده ام  
آسوده يك نفس زده باشم حرام من.

## از کیا بیزارم؟

از آنان که بخدا، بقرآن و بخانه خدا قسم یاد کرده اند و اما به سوگند شان پایبند نمانده اند.  
از آنان که دین را وسیله عیش و نوش قرار داده اند.  
از آنان که با دو رنگی عادت دارند.  
از آنان که دست شان بخون بی گناهان آلوده است.  
از آنان که به دروغ، اتهام، دسیسه، توطئه، رنگ و نیرنگ عادت کرده اند.  
از آنان که زیر نام دین، ملیت خواهی، حق طلبی در خدمت سازمانهای جاسوسی قرار دارند.  
از آنان که کور خود و بینای مردم اند.  
از آنان که آزادی را در اسارتگاه بی بند و باری به بند می کشند.  
از تمام آنان که در لغتنامه های ذهنشان بین مظلوم و ظالم علامت تساوی است.  
از آنان که در هر مکانی دم از استقلال و آزادی می زنند اما خود با استقلال و آزادی معامله کرده اند.

از آنان که درد دلشان را به درد شکمشان فروخته اند.

از آنان که حضور پول و قدرت را احساس می کنند و نه خدا را (ج).

از آنان که با اعمال شرم آور و ننگین خویش هم نزد مردم شرمنده اند و هم خدا (ج).

شماری از تنظیم ها با تصویب منشور مصالحه ی ملی به بخشش یکدیگر پرداختند و خواستار مصونیت قانونی شدند. این عده که به مبارزه برحق مردم ما جز خیانت چیزی دیگری نکرده اند و در جنگ های داخلی خون شصت و پنج تا هشتاد هزار کابلی مظلوم را بر روی جاده های کابل ریختند. مردم رنج دیده وطن را از پشت سر خنجر زدند، به یکدیگر کمین گرفتند، پایگاه های یکدیگر را چور کردند، سلاح می فروختند و با پول آن سرمایه می اندوختند و فرزندان شان در پوهنتون های خارجه مشغول آموزش اند. اینان امروز صاحب آرگاه و بارگاه هستند. در اوایل "جهاد" خری نداشتند و در کلبه های گلین زندگی می کردند، اما امروز قطار لند کروزرها سرک و جاده را پر کرده است و بلند منزل ها آباد ساختند و . . . با گرفتن اسلحه و مهمات از کشورهای همسایه کشتند، چور کردند، ویران کردند و سوختاندند. ملوک الطوائفی جاده ای را حاکم ساختند و به هدایت خارجیها کابل را سوختاندند و هزاران تن را آواره کردند.

در تعریفی از فساد، آن را منفعت طلبی مقامات رسمی به هزینه منافع عمومی می دانند. اما منافع عمومی، خود مبهم تر بوده، و فساد هرچه باشد، پیامدهای آن موضوعی دیگر است. شاید بهترین رویکرد، تعریف فساد به منزله سوء استفاده از نقش و منابع عمومی برای منفعت خصوصی باشد، البته باید بلافاصله اضافه نمود که عمومی، خصوصی، منفعت و مهمتر از همه سوء استفاده هر کدام جای بحث مفصل دارد. این تعریف جامع و مانع نیست، اما بر ابعاد سیاسی، وجدانی و اخلاقی قضیه، همان گونه که در عمل هم رخ می دهد، تأکید دارد. فساد همواره این سؤال را بر می انگیزد که اشخاص با نفوذ چه طور می خواهند پاسخگو باشند.

معمول ترین شکل فساد رشوه خواری است- چیز های پرارزشی که از سوی یک شخص حقیقی در مقابل تصمیم، عملاً عدم انجام کاری در اختیار یک مقام رسمی قرار داده می شود. اخاذی در ارتباط نزدیکی با رشوه خواری قرار دارد، که مقامات رسمی در خواست هدایا و مبالغی پول می کنند. اما اشکال زیاد دیگری نیز وجود دارد، مثل دزدی علنی از سوی مقامات. گاهی تشخیص فعالیت های مفسده جویانه از فعالیت های قانونی مشکل است.

تأثیرات منفی فساد بر دموکراسی شامل صدمات اقتصادی - از آن جا که مقامات فاسد به خارج کردن پول از کشور می پردازند، مردم از سرمایه گذاری دلسرد می شوند- و سیاسی است. صدمات سیاسی عبارتند از- رهبران سیاسی اعتبار خود را از دست داده و برای کسب حمایت مردم باید هزینه کنند.

قوانین را، پیشنهاد کنندگان بالا ترین قیمت تعیین می کنند، نه نیاز های جامعه.

احساس مسئولیت، اجرای قانون، و عملکرد ادارات بی اعتبار و بی نتیجه می شود.

احزاب سیاسی، تبدیل به یک رشته عملیات پشتیبانی، در خدمت منافع شخصی می گردند.

احکام قضایی را می توان خرید و از راه سیاست دستکاری نمود.

مطبوعات و جامعه غیر نظامی به قدری تضعیف می شود که قدرت نظارت بر اعمال قدرتمندان را ندارد. فساد اداری بیداد میکند، امنیت رو به وخامت می گیرد و دولت در راستای حل مشکلات کشوری عاجز است و برنامه عملی ندارد. شیوع فساد اداری به شکل بی سابقه آن در ادارات دولتی، بروز بد امنی ها و زمینه گسترش آن و ناکافی بودن و غیر موثر بودن کمک های جامعه جهانی و روند بازسازی در کشور. بحران و بد امنی عوامل فساد اداری و حرکت کُند بازسازی و نوسازی و دلیل غیر موثر بودن مساعدت های جامعه جهانی به کشور که باعث بوجود آمدن روحیه مخالفت علیه نظام و سرانجام منتج به بروز مخالفت های نظامی می گردد، دولت در زمینه رفع این عوامل کوچکترین اقدام عملی انجام نداده است که با گذشت زمان ساحه فعالیت های تخریبی تروریستان در ولایات جنوب، جنوبغرب، شرق و شمال کشور توسعه یافته، زمینه ها و انگیزه های نارضایتی و مخالفت در سایر ولایات محسوس است، فساد اداری به اوجش رسیده، بازسازی و نوسازی بطور لازم آن با توجه به مبالغ هنگفت به مصرف رسیده انجام نیافته است.

اینان همه زاده ائتلاف های مصلحتی و زود گذر است که به اساس ضرورت و منافع شخصی و گروهی انجام میگیرد و هیچکدام نسبت به کشور و مردم کشور دلسوزی و پابندی ندارند.

بلی آقای کرزی! اینان که همین اکنون در پهلوی تو به کرسی قدرت لمیده اند، طی این سالها و قبل از این جنایات فراوانی را انجام داده اند. مشیت نمونه خروار: خونین نمودن تضاد های ملیتی، مذهبی، سمتی، لسانی و تخم نفاق کاشتن بین ملیت های برادر افغانستان؛ مهاجرت بیش از یک میلیون نفر دیگر و بیجا کردن دهها هزار فامیل در داخل کشور، غصب زمین، املاک و دارایی های اقلیت هایی که در ساحه نفوذ قومندانان حاکم قرار داشتند، ویران نمودن کامل پایتخت با قتل شصت و پنج تا هشتاد هزار نفر و چپاول تمام دارایی های مردم و دستبرد به ناموس مردم، پاتک اندازی راه های عمومی و اخذ جریمه، زور پولی، عشر و نکات و غیره، از بین بردن هشتاد در صد مراکز صحتی و تعلیماتی و کتاب سوزی های بی نظیر تاریخ؛ پیدایش صد ها هزار بیوه، یتیم و گدا؛ زرع و قاچاق بیش از نود در صد از مواد مخدر جهان؛ مساعد نمودن زمینه به قدرت رسیدن سیاه ترین نیروی تاریخ یعنی "طالبان" و . . . درین بخش چند مورد را با محاسبات تقریبی ای که صورت گرفته است بطور نمونه، چپاول ترانسفارمرها،

ستیشن ها، سب استیشن ها، کیبل ها، ماشین های مونتاز و غیره ملحقات آن به ارزش پنجاه و هفت میلیون دالر امریکایی که بازسازی آن بیست برابر ارزش مصرفی بیشتری را تقاضا می نماید. چپاول و تاراج لین ها، سویچبوردها، چینل ها، ماشین های اتومات، جنراتورها، رادیو ریلی ها، تیلکس ها، عراده جات، ستلایت ها، امکانات مرکز تربیوی، تعمیر های پستی و غیره به ارزش دوصد و پنجاه و پنج میلیون دالر امریکایی که باز هم اعمار مجدد شان حداقل بیست برابر مصرف بر می دارد.

چپاول و غارت سیلوی کابل، پشیمنه بافی، پولی تخنیک، پوهنتون کابل، اکادمی پولیس، انستیتوت علوم اجتماعی، ترانسپورتهای باربری کاماز، افسوتر، تصدی های باربری مواد نفتی، ترانسپورتهای انتقالاتی اردو، پولیس و امنیت دولتی و هوایی، کارخانجات جنگلک، کابل فلز، رنگ و مواد کیمیای سازی، کشمش پاکی، کارتن سازی، پلاستیک و اسفنج سازی، افغان ترکانی، بس های شهری و بس های برقی، الکول سازی، یخ سازی، گوگرد سازی، جراب بافی، جاکت بافی، بوت آهو، مسلخ و دهها کارخانه خورد و بزرگ دیگر به ارزش بیشتر از نوصد میلیون دالر که باز هم اعمار مجدد شان حداقل بیست برابر مصرف برمی دارد. چپاول و غارت دستگاه های برمه، کمپریسورها، وسایل نقلیه، لابراتوار های بزرگ، لابراتوارهای محلی و غیره که مجموع خسارات تنها در مرکز به هزار و چهارصد میلیون دالر امریکایی می رسد.

قطع جنگلات و قاچاق آن به طور متمادی در کتر و نورستان جریان دارد که چهل در صد جنگلات بکلی از بین رفته و روزانه حداقل هزار و هفتصد متر مکعب چوب به پاکستان قاچاق می گردد. علاوه معادن نورستان، پنجشیر و بدخشان به صورت غیر فنی به وسیله تفنگداران منفجر می گردند.

چور، چپاول و تخریب تعمیرهای مکاتب، چوکی، میز، لابراتوار، کتب درسی، مطابع دولتی با تمام لوازم آن، تعمیر های پوهنتون کابل و پولیتخنیک، لیلیه ها، زلزله سنج فاکولته انجیری، ریاست میخانیکی وزارت فواید عامه واقع چهلستون، سیستم های مراکز آبرسانی و برق، کتابخانه ها به ارزش بیشتر از دو صد و بیست و دو میلیون دالر امریکایی که بازهم اعمار شان به بیست برابر مصرف ضرورت دارند. علاوه به نمونه های بالا به ارزش میلیارد ها دالر ویرانی، چپاول و غارت شفاخانه ها، سینما ها، بانک ها، ادارات دولتی، وزارت خانه ها، هتل های دولتی و شخصی، موزیم ها، کتابخانه ها، باغ وحش، پارکها و کارخانه جات بزرگ و کوچک خارج از کابل به اضافه سرک ها، پل ها، بند ها و نهرها بوسیله نیروهای درگیر ویران و به غارت رفته اند که یک محاسبه غیررسمی ارزش این خسارات را یکصد و سی میلیارد دالر امریکایی برآورد کرده و این مبلغ برای کشوری مثل افغانستان چه که برای کشورهای پیشرفته کمرشکن می باشد. در جریان به قدرت رسیدن تنظیم ها دولت مرکزی به وجود نیامد،

کابل بین چندین گروه تقسیم و عبور از ساحه تحت تسلط هر یک به مرگ منتهی می گشت، هر گروه از خود قانون و مقرراتی داشت که جدا آن را عملی می نمودند، اسیر گرفتن، شکنجه کردن، میخ به سرزدن، در کانتینر ها داغ کردن، ادرار خوراندن، پستان بریدن از عملکردهای روزانه ی گروه های درگیر به حساب می آمد، اردوی ملی به کلی از بین رفت؛ هیچ اداره ای در کشور فعال نماند؛ سراسر کشور را انارشیزم فرا گرفت؛ اکثر ولایات که تا هنوز به شکل ملوک الطوائف بوسیله ی جنگ سالاران اداره می گردند میراث همان جنگ های تنظیمی است.

یکی از دردناکترین ویرانی های کابل نابودی مکمل کارخانجات جنگلک است. دهها تعمیر کوچک و بزرگ سوراخ سوراخ و صدها موتر وسایل فلزی تکه تکه شده اند. از ماشین های خورد و بزرگ که تعداد شان به دهها و صدها می رسید کوچکترین اثری نمانده است. وقتی در صحن ادارات برباد رفته قدم می گذاری نقش انگشتان هلاکو و چنگیز را بر در و دیوار آن می بینی. جنگ سالاران هیچ شرمی ازین همه گناهی ندارند که در حق مردم روا داشته اند. اگر اینان مرتکب هیچ ویرانی دیگری نمی شدند و صرف جنگلک را به این روز می انداختند باز هم سزاوار محاکمه بودند.

آنان از قهرمانی های خود یاد کرده و خود را مستحق حاکمیت و غمخواران مردم می نامند و دم از "جهاد" و "مقاومت" میزنند، بیانات یکی ازین دستور دهندگان در مجلس به اصطلاح حل و عقد که «ما کابل را ویران کرده خاک آن را به توبره کشیده ایم و اگر کدام دیواری باقیمانده باشد کلنگ را گرفته آنرا هم ویران می کنیم» (زیرا خاک کابل نجس شده و ما از خاک پاکستان کابل جدیدی میسازیم) اما آنان کابل را ویران کردند و مگر اعمار نه.



جنگ سالاران با ریختن به پایتخت کشور عزت و شرف مردم را پایمال کردند. بر ناموس مظلومین تجاوز کردند، پستان بریدند و میخ بر فرق کوبیدند. دختر جوانی را مجبور کردند که به خاطر حفظ عزت و ابروی خویش از مکروریان های کابل خود را بر زمین پرت کند.

بر کتاب ها شلیک کردند و جشن کتاب سوزی بر پا کردند و موسسات طبع و نشر را با میلیونها جلد کتاب به آتش کشیدند. جنگ سالاران که روابط تنگاتنگی با مافیای مواد مخدر داشته و در قاچاق و ترافیک مواد مخدر دست دارند ازین مدرک به دارایی های افسانه ای رسیده اند. موزیم کشور را غارت کردند، آثار آنرا به جرنیل ها و نصیرالله بابر تحفه دادند و یا هم در بازارهای سیاه به حراج گذاشتند. اینان پس از سقوط دولت نجیب، کشور را به خانه پاکستانی، ایرانی، اعراب و . . . تبدیل نمودند و با فروختن تضادهای قومی، تخم کینه و نفرت را در میان اقوام کاشتند و کارنامه های خیانت آفریدند. اینان بقای شان را در تروریزم می بینند، از دهشت افگنی حمایت می کنند، بر دموکراسی باور ندارند، مخالف حقوق بشر هستند، آزادی بیان را معادل کفر گویی می شمارند و زنان را بازیچه و اسباب بازی خانه می پندارند. بر حصول قدرت از راه دموکراسی باور ندارند و فقط بر میله ی تفنگ اتکا می کنند. مصروف جور و جیاول ثروتهای ملی و کمکهای جامعه جهانی اند، دزدی می کنند، فساد می زاینند، اختلاس گر اند، برای حصول قدرت معامله می کنند.

اگر از ویرانی و نابودی سرمایه کشور، به زمان حاکمیت کنونی برگردیم اینان در دولت فعلی نیز کاری خیری را انجام نداده اند.

توسعه روز افزون نا امنی در کشور، باعث نگرانی مردم شده آنان را از روزنه های امید به آینده دور می کند. درگیری های متفرقه در ولایات مختلف، غارت و چپاول شبانه خانه های مردم، زور گویی جنگ سالاران تفنگدار، بی احترامی به افراد روشنفکر و آزاد اندیش و دهها مورد دیگر، از جمله مسایلی است که برای یکبار دیگر امید رسیدن به صلح و آرامش در کشور را به نقاط کور و مبهم گذشته می برد. این موضوع از يك جهت مردم را وادرا به مهاجرت های داخلی و خارجی کرده و ازسوی دیگر باعث عدم بازگشت مهاجرین به کشور می گردد. مهمتر از این مسایل، جامعه جهانی را نسبت به افغانستان بد بین ساخته آنان را نیز از روند کمک به بازسازی دور خواهد ساخت. علت اصلی جنایات و درگیری های اخیر در کشور، حضور تفنگ سالاران در مناصب و پست های کلیدی کشور است تنها راه حل این مساله برکناری احزاب و گروه های جنگ سالار از صحنه قدرت نظامی و سیاسی در افغانستان می باشد.

بر همگان ثابت شده است که "جهاد" وجود نداشت و ندارد و اینان باید به این مهم برسند که استقامت و پافشاری شان بر اریکه قدرت، غیر از تباهی و سیاهی آینده و تخریب چهره وطن، عاید دیگری نصیب آنان و ملت نخواهد شد. پس بهتر است که در يك اقدام شجاعانه و بدون عذر و بهانه، زمینه به قدرت رسیدن واقعی مردم را فراهم ساخته سران جنگ سالار به نفع ملت از پست های دولتی کنار بروند و تنظیم های خویشرا منحل نمایند.

نا امنی های موجود، در يك طرف قضيه به سران "جهادی" بر می گردد و در طرف ديگر به خارجی ها. سران تنظیمی که هر کدام شان از خون فرزندان این مرز و بوم به نوایی رسیده اند، امروز نمی توانند پست ها و مناصب قدرتی را به نفع مردم ترك کنند.

اگر خارجی ها قصد و تصمیم جدی بر بازسازی دارند، باید در درجه اول از حمایت احزاب و نیروهای داخلی نظامی سیاسی دست برداشته جامعه مصیبت زده ما را به سوی امنیت و صلح دایمی رهنمون باشند. شاید خارجی ها نمی خواهند صلح دایمی و امنیت کامل را به این زودی در افغانستان ببینند. زیر حمایت های بدون دلیل هر کدام آنان از جنگجویان داخلی و تفنگ سالاران محلی علت اصلی دامن زدن به نا امنی های اخیر در کشور بوده است. بر همه کاملاً روشن و واضح است که بعد از سقوط "طالبان" و با ورود نیروهای ائتلاف به افغانستان، تنظیم ها و تفنگ سالاران محلی جان دوباره گرفته، یکبار ديگر هم از لحاظ تسلیحاتی و هم از جهت مالی تقویت شدند.

که این تقصیر مهم، همچنان بر عهده نیروهای خارجی است. زیرا اگر برخی از همسایگان و کشورهای نیدخل در امور افغانستان، در زمان حضور "طالبان" و بیرون راندن تمام این ها از کشور، این ها را کمک نمی کردند، امروز شاهد رشد و جان گرفتن دوباره این ها به نفع برخی از خارجی ها و به ضرر مردم کشور نبودیم. بنابر این لازم است تا نیروهای بین المللی در کشور از خود جرات بیشتری نشان داده با جنگجویان و تفنگ سالاران نابخرد، برخورد قاطعانه و جدی نمایند. تا بدین وسیله برای مردم ثابت شود که خارجی ها واقعا قصد بازسازی افغانستان را دارند.

برنامه خلع سلاح در کشور نیز متأسفانه روی مصلحت های زمانی متوقف و یا به کندی هدایت شد، با وجود علاقمندی بعضی از کشورها و پافشاری قدرتهای مطرح در کشور بعد از گذشت سالها نه تنها نافرجام باقی مانده، بلکه به همه ابعاد و جهات آن رسیدگی لازم صورت نگرفت. همانگونه که برخی از منابع بین المللی تصریح میدارند، پروسه کنونی دی. دی. آر به دلایل فراوانی، عرصه دشوار و جنجال آفرینی را در آینده، برای کشور به وجود خواهد آورد. با وجود آنکه مراجع مربوط دولتی به یاری کشورهای کمک کننده و برنامه توسعه ملل متحد، کارهای معینی را انجام داده اند، اما این امر همه گروه های تفنگدار مسلح را شامل نشده از یکسو بی امنیتی در کشور کاهش نیافته از سوی ديگر، برنامه ملکی سازی و جمع آوری سلاح، با کنديهای فراوان و مقطعی روبرو گردیده است. ازین گذشته آنچه تا کنون انجام شده، به هیچوجه نتوانسته است در تأمین امنیت و کاهش قوت های مسلح در سراسر کشور سهم موثری را ایفا کند.

آنگونه که منابع بین المللی تاکید میدارند، برنامه خلع سلاح تمام تفنگداران را دربر نگرفته و قوماندانان در ولایات، ولسوالی ها، علاقداری ها و قریه جات کشور، برای بقای قدرت خویش و برای حفظ زمینه سوء استفاده از جمله قاچاق مواد مخدره، قاچاق آثار باستانی، قبضه نمودن معادن، املاک دولتی، جنگلات و تصاحب دارایی های ملی و شخصی بیشتر از هر وقت دیگر فعالیت به نظر میرسد. آنچه بیش از همه قابل تأمل و اندیشه است اینست که، نه تنها در ریشه کن کردن سیستم و شیوه های قوماندان سالاری و حاکمیت تفنگ کار موثری صورت نپذیرفته، بلکه بصورت مستقیم و غیرمستقیم در تقویه پایه های سیاسی و قدرت اقتصادی آنان موثریت روا داشته شده است.

موجودیت سلاح و سلاحداران و سرنوشت حقوق بشر تقویت و تسلط جنگسالاران آدمکش بر زنده گی مردم و موجودیت تفکر بنیاد گرایی و تلاش در جهت تحکیم آن، برعلاوه، استبداد طولانی و تاریخی، نظام مرد سالارانه و پدرسالارانه، از هم گسیختگی تاریخی و اجتماعی، فقر شدید و خانماسوز، جهل و تعصب و دهها عامل دیگر، مانع جوانه زدن ریشه های آزادی و دموکراسی در کشور میگردد. سازمان نظارت بر حقوق بشر گزارش مفصلی را در ارتباط به وضعیت حقوق بشر در کشور، به نشر رسانیده است. درین گزارش سه نوع تخلفات ثبت شده عبارت اند از- تعرض خشونت آمیز جنایی - دزدی مسلحانه، آدم ربایی توسط نیروهای نظامی، پولیس و شعیات استخبارات - تعرض بر مطبوعات و فعالان سیاسی، و نقض جدی حقوق انسانی زنان و دختران. تخلفات علیه اهالی فضای رعب و ترس در اکثر مناطق کشور حکم فرماست.

نیروهای نظامی و پولیس بالای خانه های مردم از طرف شب یورش برده و اهالی ملکی را تاراج مینمایند. آنها به وسایل گوناگون وارد خانه های مردم میشوند، اعضای فامیل را برای ساعتها گروگان میگیرند، با اسلحه تهدید میکنند، اشیای گرانبهای شان را دزدی مینمایند و گاهی به زنان، دختران و پسران فامیل نیز تجاوز میکنند.

همچنان مواد مخدر یکی از منابع عمده بی ثباتی و نا امنی در کشور است که وسیله جنگ سالاران زرع، جمع آوری و قاچاق میگردد. مواد مخدر سلاح نسل سوز و تباهی آفرین است. مواد مخدر همچون بیماری سرطان تمام ریشه ها و شاخ و برگ های نظم و قانون را در جامعه تضعیف و تخریب میکند. مواد مخدر جامعه را به فساد و تباهی میکشاند. مواد مخدر با جهل و تروریزم همراهی و هماهنگی دارد و هریک در همکاری و حمایت متقابل قرار می گیرند. مواد مخدر تروریزم را تقویت میکند چون مافیای تجارت و قاچاق مواد مخدر در بستر بی ثباتی و بد امنی و ضعف نظم و قانون مجال حیات و فعالیت می یابد و تروریزم با وحشت و کشتار این بستر را به مافیای مواد مخدر ایجاد میکند.



آنگاه پاداش خود را از مافیای مواد مخدر می‌گیرد و از آن تغذیه می‌شود. آنچه که در مورد معضل و مشکل مواد مخدر در کشور نگران‌کننده به نظر می‌خورد افزایش و گسترش تولید و تجارت مواد مخدر علی‌الرغم شدت وحدت رو به افزایش تبلیغات و برنامه‌های دولت در مبارزه علیه مواد مخدر در سال‌های گذشته است. در حالیکه می‌بایست میان تبلیغات و برنامه‌های مختلف دولت و تولید مواد مخدر یک نتیجه‌ی معکوس ایجاد می‌شد. به این معنی که با افزایش و گسترش فعالیت و برنامه‌های دولت در مبارزه علیه تولید و تجارت مواد مخدر، در افزایش کشت و تجارت آن کاهش بعمل می‌آمد. اما چرا تمام تلاش‌ها و مبارزات دولت علیه مواد مخدر به شکست انجامید و نتیجه‌ی معکوس داشت؟

هم دولت، امریکایی‌ها و اروپایی‌ها به خصوص انگلیسها مبارزه علیه مواد مخدر را بدوش دارند و به گونه‌ای از این مبارزه صحبت میدارند و با این معضل برخورد میکنند که در آن گنهکار اصلی دهقانان و زارعین تریاک و انمود میشوند. از این رو نقطه‌ی مرکزی نشانه‌گیری آنها در این مبارزه زارعین تریاک و مزرعه‌ی تریاک است. پولیس و نیروهای امنیتی دولت به مزارع تریاک هجوم می‌برند و تخریب مزارع کوکنار از سوی آنها به تکرار و به تکرار در پرده‌های تلویزیون دنیا نمایش داده میشود. رئیس‌جمهور در بزرگترین جلسه‌ی که در مبارزه علیه مواد مخدر تشکیل شده بود زرع کوکنار را مایه‌ی شرمساری ملی خواند و اظهار داشت که در ملاقات با خارجی‌ها وقتی برایش می‌گویند که افغانستان بزرگترین تولیدکننده‌ی تریاک است از خجالت آب میشود. او با این اظهار خجالت و شرمساری در برابر خارجیها از زارعین و کشت‌کنندگان تریاک با زبان التماس و تهدید می‌خواهد که دیگر به کشت تریاک پایان بدهند. اما در این میان آنچه که به فراموشی سپرده میشود و کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد عوامل اصلی زرع و کشت تریاک، تجارت و قاچاق مواد مخدر است.

در فرجام چنین نتیجه‌گیری می‌گردد، مردم با در نظر داشت میلیاردها دالر کمک جامعه بین‌المللی و پشتیبانی و حضور نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی جامعه جهانی، انتظارات بیشتر را داشته‌اند و علی‌رغم کارهای انجام شده چندان راضی بنظر نمی‌رسند. مشکلات زیادی باقی مانده و حتی بعضی مسائل نه تنها که کاهش نیافته بلکه بطور نگران‌کننده‌ی رو به افزایش بوده‌اند.

رهبران تنظیم‌ها که گروههای شان آشکارا حقوق بشر را نقض کرده‌اند با صراحت اعلان کردند که تا کنون کارهای شان سنجیده و درست بوده و بر کمیسیون حقوق بشر بطور تهدید آمیز حمله ور شدند. دیگر از جمله کارهای که مردم واقعا ناراضی‌اند مسئله بازسازی و کندی روند آن است. پولهای سرسام‌آوری وارد کشور شده، ولی در قسمت بازسازی کاری چندانی نشده است.

فساد اداری در دستگاه "دولت" به اوج خود رسیده است. همچنین موسسات غیر دولتی که بخشی از امور بازسازی را برعهده دارند اغلب آنها پولهای مردم فقیر و بیچاره ما را بدون هیچگونه حساب و کنترولی حیف و میل می کنند و بقول وزیر سابق وزارت پلان رمضان بشر دوست موثرهای آخرین سیستم دنیا و لوکس ترین خانه های کابل را این موسسات از پولهای کمک به افغانستان در اختیار داشته و خوش می گذرانند.

نا امنی و خشونت بیشتر شده و مردم نگرانند. مخصوصا در سالهای اخیر میزان جرم و جنایت در کشور بالا رفته و بسیار نگران کننده می باشد. گروههای مسلح غیرمسئول در همه جا وجود دارند و تهدید علیه امنیت هستند. پروسه خلع سلاح تکمیل نشده و هنوز تهدیدات و خطراتی در این زمینه وجود دارد. زورگویان از جمله جنگسالاران هنوز قدرت را در دست داشته و بر سرنوشت مردم حاکمیت دارند. فرانسیس وندرل نماینده خاص قبلی اتحادیه اروپا در افغانستان، در سمینار افغانستان در پارلمان فنلاند اظهار داشتند که ما برای جلوگیری از نقض حقوق بشر می خواهیم که ناقضین حقوق بشر و جنگسالاران دیگر بر سر قدرت نباشند، ولی عملا دیده می شود که جنگسالاران و جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشر در قدرت شریک اند و همچنان برای شرکت عده ی دیگر از آنها مانند "طالبان" تلاش بخرج داده می شود. "طالبان" هنوز هم دست از جنایات خود بر نداشته و هر روز به کشورما زیانهای سنگین جانی و مالی می رسانند و امنیت ملی را به خطر می اندازند.

جنگ هنوز ادامه دارد. تروریستان دو باره تجدید قوا کرده و با حمایت حامیان خارجی شان هر روز فاجعه می آفرینند. این در حالیست که "دولت" تلاش ورزیده است تا "طالبان" را بخود جلب کند و با نرمی باب مذاکره و تفاهم را با آنها پیش کشیده است، اما "طالبان" گروهی نیست که از میان مردم خود جوش بوجود آمده باشد و منافع ملی و صلح و آرامش مردم این مرز و بوم را خواستار باشند. آنها حاضر شدند تا حکومت خویش را از دست بدهند، ولی تروریست بین المللی اسامه بن لادن را تسلیم نکنند. "طالبان" عوامل وابسته به استخبارات پاکستان و تروریزم بین المللی بوده و مستقلا قادر به تصمیمی نیستند.

از بخشهای خبری بهره برده ام.

انسان‌های هدفمند و موفق همواره دنبال راهکارهای می‌گردند تا با سرعت و کیفیت بیشتری اهدافشان را محقق و زنده‌گی  
زیبایی را برای انسانهای زادگاهش مهیا مینمایند.  
هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی لازمه یک زنده‌گی موفق و با نشاط است و افرادی که به دنبال خوشبختی و سعادت می‌گردند  
قطعاً باید برای رسیدن به این نعمت بیکران، هدفمند و با انگیزه حرکت می‌کنند.  
آرامش و نشاط از اهداف متعالی یک زنده‌گی موفق است که برای رسیدن به آن می‌بایست تاکتیک‌ها و راهکارهای معینی  
را تدوین و بر اساس آن یک زنده‌گی آرام و با نشاط را ایجاد نمود.

دانشمندی می‌فرماید:

امروزمان را گذرانیم برای فردا!

و فردایمان دیروزی دیگر

این است بازی پوچ ما انسانها . . .

به داشته‌هایمان مغروریم و نسبت به نداشته‌هایمان حسود

بی آنکه به طبیعت وجودی خود پی ببریم

یا حتی ذره‌ای ذهن خود را به سمت هدف‌افزینش سوق دهیم

این است ذهن خلاق ما انسانها . . .

از دروغهای دیگران خشمگین میشویم

و از خشم اطرافیان نسبت به دروغهایمان غمگین

بی آنکه صدای فریاد درونمان را بشنویم

بی آنکه به صدای خورد شدن آینه‌ی صداقت وجودمان گوش دهیم

این است پاسخ ما انسانها . . .

از دیگران برای به قدرت رسیدن خود استفاده می‌کنیم

و در اوج قدرت فقط غریزه‌ی شهوت را سیراب می‌کنیم

بی آنکه لحظه‌ای به این بیندیشیم که زمان می‌گذرد و زمانه نیز به دنبالش

بی آنکه به نگاه پر از اندوهش نگاه کنیم یا دستهای گرمش را بگیریم

یا حتی لحظه‌ای به قطره‌ی اشکش که آرام و آهسته از عرش به فرش فرود می‌آید اعتنا کنیم

و بدانیم که دوست داشتن و یقین کردن به دوست داشته نشدن چه سخت است

وما همچنان به دنبال دیروزها امروزها را می‌گذرانیم و فرداها را نخواهیم دید.

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)